

صداوسیما؛ معمار جبهه رسانه‌ای مقاومت

گزارش تحلیلی روزنامه «جام جم» از حرکت رسانه ملی در حوزه تحول که منجر به همبستگی و هم افزایی رسانه‌های جبهه مقاومت شد

نمایشگاه تحول رسانه ملی که این روزها برپاست، سعی دارد دستاوردهای پنج سال گذشته صداوسیما را که موجب تحول رسانه ملی شدند پیش روی همگان قرار دهد. این تحولات نتیجه حرکت روی ریل سند تحول است که نشان می‌دهد بالندگی به برنامه‌ریزی نیاز دارد. یکی از این تحولات که در جنگ‌های اخیر نمود بیشتری یافت، تقویت روایت جامع از جبهه مقاومت است که تمرکز بر ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی و جریان‌سازی ۳۶۰ درجه شکل گرفته است. سند تحول در این میان این مسأله را یکی از مصادیق آن را شکل‌گیری رسانه‌های هم‌افزا در جبهه بزرگ مقاومت می‌داند. رسانه‌های همسو با فرهنگ مقاومت فقط کارشان خواندن خبر و گزارش اتفاقات روزمره نیست. این رسانه‌ها دقیقا همان رزمندگان و فرماندهان خط مقدم جنگ نرم عمل هستند که بار اصلی جهاد تبیین را بر دوش دارند. رسانه‌های آزادیخواه در سوریه، عراق، لبنان و غزه نمی‌نشینند تا خبری رخ دهد و آن را پوشش دهند؛ بلکه خودشان جریان‌ساز هستند. آنها فقط رویدادها را نقل نمی‌کنند؛ چون به بازیگری تأثیرگذار در اتفاقات غرب آسیا تبدیل شده‌اند. این رسانه‌ها که سال‌هاست برای شکستن انحصار روایت تحمیلی کشورهای غربی در تکاپو هستند، تنها یک هدف دارند؛ نابودی اسرائیل! امروز که رسانه‌های محور مقاومت به جایی رسیده‌اند که کارشناسان غربی بر تأثیرگذاری آنها باور دارند، نمی‌توان از این دستاورد بدون حمایت و پشتیبانی ایران صحبت کرد. بی‌تردید رسانه ملی به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر در ایران در رأس این مسئولیت مهم قرار گرفت و در چند سال گذشته با توسعه رسانه‌های فرامرزی با پلتفرم‌های چندرسانه‌ای این امکان را فراهم کرد تا صدای رسانه‌های محور مقاومت نه فقط در منطقه خود بلکه به سراسر جهان برسد، به انتقال تجربیات فنی و رسانه‌ای به متحدان خود در منطقه یاری رساند که منجر به ظهور شبکه رسانه‌ای پراکنده از نظر جغرافیایی اما همگرا در چشم‌انداز و جهتگیری شد. بی‌تردید اگر رسانه‌ها چه در غزه یا دیگر محورها و جبهه‌های مقاومت در این سطح عمل نمی‌کردند، مقاومت در حوزه نظامی نیز این تأثیر گسترده را بر جای نمی‌گذاشت.

صدای بلند رسانه ملی در سراسر جهان

این دستاورد بزرگ رسانه‌ای که امروز به آن افتخار می‌کنیم از عملیات بزرگ طوفان الاقصی کلید خورد. صداوسیما به پوشش لحظه‌به‌لحظه آن پرداخت. با صدای بلند رسانه ملی بود که توجه دنیا به غزه و جنایت‌های اسرائیل جلب شد. پیش از این چه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و چه در دیگر کشورهای حوزه مقاومت هر اتفاقی می‌افتاد صدا از صدا در نمی‌آمد. اخبار به‌شدت کنترل می‌شد و مجریان اوتکشیده تلویزیون رژیم صهیونیستی از مهربانی نظامیان با کودکان فلسطینی گزارش می‌دادند و سران کشورهای غربی هم به‌به و چه‌چه می‌کردند. این روند بعد از طوفان الاقصی زیرورو شد، دوربین‌ها در دستان رزمندگان قرار گرفت؛ رزمندگانی که دیگر می‌دانستند هر جانی را می‌توانند با رساندن صدای خود به ایران از طریق رسانه ملی این کشور به گوش جهانیان برسانند. کار رسانه‌های محور مقاومت فقط انتشار جنایت‌های وحشیانه اسرائیلی نبود؛ بلکه آنها در دنیای جدید رسانه‌ای گسترده ایجاد شده توانستند فرهنگ مقاومت را گسترش



دهند. این فرصت فراهم شد تا جوانانی که تاکنون تحت تأثیر رسانه‌های غربی بودند، با فرهنگ مقاومت آشنا شوند و برای حفاظت از خانه خود بند پوتین‌های‌شان را سفت ببندند. رسانه‌های جبهه مقاومت وقتی دست در دست یکدیگر گرفتند، توانستند ذهن و افکار عمومی مردم را به شکلی درست و هدفمند روشن کنند. بین مردم همبستگی و همدلی ایجاد کردند و نشان دادند که چرا ایستادگی و مقاومت تنها راه حفظ امنیت و بازدارندگی کشور در برابر دشمنان است. در این میان رسانه ملی نه تنها با حمایت رسانه‌های آزادخواه، نخ تسبیچی شد تا رسانه‌های حوزه مقاومت را در کنار یکدیگر قرار دهد، بلکه با برنامه‌سازی و موضوع قرار دادن دشمنی اسرائیل این نقش را پررنگ‌تر کرد.

نتیجه این هم‌افزایی را در روزهای بسیار حساس به‌خوبی دیدیم. رشد و قدرت‌گرفتن رسانه‌های محور مقاومت در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان به‌خوبی به چشم آمد. دوربین‌های رسانه‌های جبهه مقاومت پاسخ‌های موشکی ایران در عملیات‌های وعده صادق و دیگر عملیات‌ها را برای انتشار به رسانه ملی رساندند و این صداوسیما بود که به دنیا نشان داد ایران قدرت‌مندتر از آن است که تصور می‌کنند. این دوربین‌های مقاومت بود که بسیاری از اصابت موشک‌ها و قدرت ایران را به دنیا نشان دادند اتفاقی که تا پیش از این هرگز



رخ نمی‌داد و هر اتفاقی که شیاطین اسرائیلی نمی‌خواستند، همان جادفن می‌شد و به فراموشی می‌رفت. نمود دیگر این هم‌افزایی رسانه ملی ایران با رسانه‌های فعال در جبهه مقاومت را می‌توان در هم‌صدایی مردم در میدانین مشاهده کرد. مردمی که با فریاد خود نشان می‌دادند بند نخست تفاهم‌نامه چقدر برای‌شان اهمیت دارد. مردمی که می‌دانستند ناآرامی و جنگ در یکی از جبهه‌های حوزه مقاومت یعنی تهاجم به همه این کشورها! این تفاهم میان مردم ما در میدانین و دیگر ملت‌هایی که در برابر استکبار جهانی قدارست کردند، در صداوسیما شکل گرفت.

شعار هدفمند ساخته شده غربی، نه غزه نه لبنان جایش را به شعار هم غزه هم لبنان، جانم فدای ایران داد. این رسانه‌های محور مقاومت بودند که صدای میدانین و خیابان‌های ایران را از رسانه ملی به غزه و لبنان رساند تا آن مردم زجرکشیده و مظلوم بدانند تنها نیستند.

پوشش جامع و ۳۶۰ درجه

صداوسیما برای این‌که اخبار و حقیقت جبهه مقاومت را تمام و کمال به خانه مردم بیاورد، شیوه برنامه‌سازی و خبررسانی خود را کاملاً متحول کرد و یک الگوی همه‌جانبه یا اصطلاحاً ۳۶۰ درجه راه انداخت. این پوشش رسانه‌ای در سه سطح

عملیاتی و موزی طراحی و اجرا شد. خبرنگاران صداوسیما کوله‌پشتی و دوربین خود را برداشتند و مستقیماً به خطوط مقدم نبرد در لبنان و مرزهای فلسطین اعزام شدند تا زیر باران موشک و گلوله، گزارش‌های زنده، نفسگیر و بدون واسطه از میدان مبارزه مخابره کنند. هم‌زمان در دل غزه، کرانه باختری، مناطق بمباران شده جنوب لبنان، یمن و عراق، تلویزیون ما از شبکه خبرنگاران بومی و محلی استفاده کرد تا صدای واقعی مردم، وضعیت بیمارستان‌ها، آوارگی خانواده‌ها و استواری بی‌نظیر زنان و کودکان در دل فاجعه با تمام وجود ثبت شود. در این میان، تحلیل و هدایت راهبردی از استودیوهای تهران، به‌ویژه در برنامه‌هایی چون قراگזה جنگ و بخش‌های ویژه خبری، کارشناسان ارشد سیاسی، نظامی و رسانه‌ای پشت میزها نشستند تا تک‌تک ادعاها و دروغ‌های جنگ روانی دشمن را کالبدشکافی کنند و ابعاد مختلف قضایا را برای بینندگان کاملاً روشن سازند. هم‌افزایی راهبردی و پیوند با رسانه‌های همسو در دنیا این توانمندی رسانه‌ای برآمده از یک ساختار سازمان‌یافته است؛ به‌طوری‌که بخش مهمی از این فعالیت‌های هم‌افزا در جبهه مقاومت، با همکاری و هماهنگی دقیق میان معاونت سیاسی و شبکه خبر از یک سو و معاونت برون مرزی رسانه ملی از سوی دیگر شکل گرفته است. صداوسیما با ایجاد این پل ارتباطی محکم میان بخش‌های داخلی و برون مرزی، توانست با شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های آزاداندیش و همسو در سراسر جهان از شبکه‌های شناخته‌شده منطقه یک اتحاد رسانه‌ای ایجاد کند. تلویزیون با تبادل فیلم‌ها، تصاویر و اخبار دست اول با این رسانه‌ها، اجازه نداد که شبکه‌های صهیونیستی و غربی دنیا با روایت‌های دروغین مردم را فریب دهند. برای مثال، تصاویری که شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی مثل العالم و پرس تی‌وی از جنایات صهیونیست‌ها ضبط می‌کردند، توسط این رسانه‌های بین‌المللی بازنشر داده می‌شد و میلیون‌ها بیننده در سراسر جهان حقیقت را می‌دیدند. از سوی دیگر، گزارش‌های برجسته خبرنگاران المیادین و المسیره نیز به‌طور مستقیم و زنده روی آنتن شبکه‌های داخلی ما می‌آمد تا مخاطب ایرانی در جریان دقیق‌ترین جزئیات شجاعت رزمندگان یمنی و لبنانی قرار بگیرد. به‌عنوان مثال شبیه شب معاون رئیس هیات رسانه‌ای جنبش انصارالله روی خط برنامه به وقت ایران آمد تا تحولات اخیر یمن را بازگو کند. این فعالیت‌ها و هم‌پوشانی تلویزیون ایران با رسانه‌های جبهه مقاومت هر روز پررنگ‌تر می‌شود. علاوه بر حوزه خبر، در حوزه فیلم و سریال هم این همکاری شکل گرفت، مثل تولید سریال مشترک حبیب که با همکاری هنرمندان ایرانی و سوری و در دل شهرهای سوریه ساخته شد و روایتی واقعی از نبرد مشترک با تروریست‌های داعش و دوستی عمیق دو ملت را به تصویر کشید.

عظیم‌زاده از قلب لبنان، توانست حضور پررنگ خبرنگاران لبنانی و یمنی را در برنامه‌های مختلف فراهم کند تا روایت‌ها از درون میدان و با نگاه محلی رنگ‌وبویی واقعی‌تر و عمیق‌تر پیدا کند. در کنار این نگاه عمیق تاریخی، تلویزیون دل را به دریا زد و ارتباط‌های زنده و مستمر تصویری با بیروت و به‌خصوص منطقه ضاحیه جنوبی برقرار کرد. در شب‌ها و روزهایی که ساختمان‌های مسکونی ضاحیه زیر بمباران‌های سهمگین جنگنده‌ها با خاک یکسان می‌شد، دوربین‌های صداوسیما در میان گردوغبار ایستادند و شجاعت خبرنگاران و فریادهای لیبیک یا نصرالله مردم را همان لحظه به دنیا نشان دادند. این تصاویر زنده و میخکوب‌کننده، تمام ادعاهای ارتش صهیونیستی مبنی بر تسلیم شدن مردم را باطل کرد. دروغ‌های رسانه‌های معاند را در نقطه خفه ساخت و نشان داد که چگونه پیوند میان میدان جهاد، تحلیل آگاهانه و شجاعت رسانه‌ای می‌تواند تابلویی تمام عیار از عظمت و حقانیت جبهه مقاومت را پیش چشم جهانیان به نمایش بگذارد.

ویژه

سریال «آسباد»؛ روایتی بومی و اصیل از سیستان و بلوچستان



و خیر محبوب روستا، به‌شکلی ناگهانی در محل آسباد باستانی روستا دارفانی را وداع می‌گوید. با وجود آن‌که مرگ او در ظاهر بر اثر کپه‌ولت سن یا عوامل طبیعی رخ داده، روح او آرام نگرفته و قانع نمی‌شود. داستان با حضور ماورایی و نظارت روح شیردل بر اهالی و رخ داده‌ها پیش می‌رود تا رازهای مکتوم، نیات پنهان، طمع‌ورزی‌ها و حقایق پشت‌پرده این مرگ و آیینده روستا آشکار شود. این تلیفیک ظریف میان درام اجتماعی-بومی با تعلیق‌های معمایی و رگه‌هایی از واقع‌گرایی جادویی، تلاشی برای نمایش دغدغه‌های معاصر نظیر حفظ میراث کهن در برابر هجوم سودجویی و تغییرات نامتوازن بافت روستاست.

سریال تلویزیونی «آسباد» به کارگردانی محمدرضا معینی، نویسندگی فرهاد نقدعلی و تهیه‌کنندگی مشترک سیدمهدی هاشمی و محمدحسین غفرانی، تازه‌ترین مجموعه نمایشی تولیدشده در مرکز سیمافیلم است که در قالب ۲۴ قسمت روی آنتن شبکه یک سیما رفته است. این اثر با جدول پخش اختصاصی در روزهای فرد هفته (یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه) ساعت ۲۲:۱۵ پخش می‌شود و از حیث ساختار و محتوا، گامی مهم در مسیر تمرکززدایی رسانه ملی از پایتخت و بازنمایی ظرفیت‌های اقلیمی، هویتی و فرهنگی شرق کشور به‌شمار می‌رود.

بستر معنایی و پیرنگ داستانی

عنوان مجموعه برگرفته از آسباد یا همان آسب‌های بادی تاریخی حوزه سیستان است؛ شاهکارهای مهندسی نیاکان ایران که نماد سازگاری هوشمندانه و استواری در برابر بادهای ۱۲۰ روزه کویری محسوب می‌شوند. قصه در روستای خیالی «ملک‌آباد» در خطه سیستان و بلوچستان جریان دارد. ماجرا در روز افتتاحیه و کلنگ‌زنی یک پروژه عمرانی بزرگ کلید می‌خورد؛ جایی که «شیردل خان»، بزرگ

جام جم

رسانه

MEDIA

دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۲۴۱۶

یادداشت

دکتر کمال اکبری | عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما

سجش‌های کلیدی

در مواجهه با جنگ شناختی

در دوره جنگ شناختی، مهم‌ترین هدف رسانه‌ها تأثیرگذاری بر اذهان و افکار عمومی است و درواقع، نبرد اصلی در جنگ شناختی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد و عمده‌ترین کار رسانه نیز همین است؛ بنابراین در شرایط کنونی، مخاطبان باید با استفاده از یک سری سنج‌ها بتوانند اخبار و فرآورده‌های رسانه‌ای صحیح را از ناصحیح تشخیص دهند. زیرا امروزه به‌صورت جدی اخباری وجود دارد که مخاطب را کاملاً دچار اشتفتگی ذهنی می‌کند و ضروری است سنجه‌هایی در اختیار داشته باشیم تا مخاطب بتواند با استفاده از آنها، اخبار صحیح را تشخیص دهد. یکی از این کلیدها و سنج‌ها، بحث مبانی ارزشی ماست؛ درواقع، در این مباحث، اصل بر فرمایش حضرت‌امیرالمؤمنین(ع) است که می‌فرمایند چهار عنصر وجود دارد که همه حکومت‌ها باید آنها را در نظر بگیرند. ایشان تأکید دارند مردم باید مراقب باشند اصول ضایع نشوند و جای آنها را فروغ نگیرند. این دو نکته کلیدی است که مخاطبان باید به آن توجه کنند. مثلاً امروز در جامعه ما چه اصلی داریم؟ هم‌اکنون درگیر جنگ با ابرقدرت‌ها هستیم و ایران، تمامیت ارضی کشور، انقلاب و همه اینها مورد هدف قرار گرفته است. بنابراین، اصل این است که مباحث فرعی مانند مسائل سیاسی، گفت‌وگوها، سلیقه‌ها و علایق مردم، با فرقه‌ای را کنار بگذاریم و مهم‌ترین نکته، حفظ انقلاب، نظام و اسلام در برابر این جنگ‌افروزی دشمن است. این موضوع معیاری در اختیار ما می‌گذارد و مسیر درست را نشان می‌دهد؛ یکی از اصولی که رهبر معظم فرمودند، بحث وحدت در جامعه اسلامی است و این موضوع اهمیت دارد. این وحدت باید حول محور رهبری باشد، نه این‌که هرکس بگوید وحدت حول محور من است. متأسفانه همه از این موضوع سخن می‌گویند اما برخی دعوت به آن را با محوریت خودشان مطرح می‌کنند که این معیار درستی نیست؛ زیرا دوباره وحدت باید حول محور رهبری باشد. آنچه رهبری می‌گوید و مسیری که برای هدایت جامعه ترسیم می‌کند، کاملاً مشخص است و نکاتی که در پیام‌های ایشان مطرح شد، معیار مهمی برای تشخیص مسیر درست به شمار می‌رود. دومین نکته‌ای که باید درباره مخاطب مورد توجه قرار دهیم، منابع خبری و رسانه‌ای منتشرکننده اخبار و اطلاعات است. می‌بینیم رسانه‌های گسترده‌ای اخبار را برای مردم ایران ارسال می‌کنند که خودشان جنگ‌افروز هستند؛ یعنی درواقع رسانه‌هایی که زیر نظر وزارت امور خارجه آمریکا اداره می‌شوند، یا انگلستان مدیریت می‌کند یا صهیونیست‌ها بر آنها نظارت دارند. شناخت مدیران و مالکان این رسانه‌ها یک سنجه مهم است؛ چراکه اگر بدانیم این منابع با چه رویکردی خبر منتشر و منافع چه کسانی را دنبال می‌کنند، درک درست‌تری به دست می‌آوریم و دچار غفلت و اشتباه نمی‌شویم.

برش

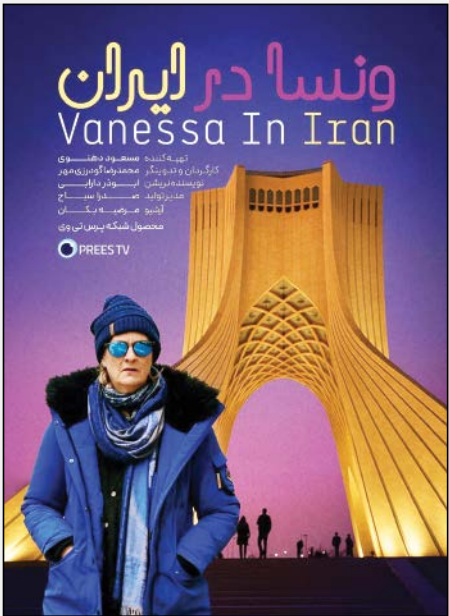
ترکیب بازیگران و عوامل اجرایی

گروه بازیگران سریال ترکیبی متوازن از چهره‌های باسابقه تئاتر و تلویزیون سراسری در کنار هنرمندان برجسته بومی استان است. سیامک صفری، علی اوسینوند، مجید پتکی، فرهاد بشارتی، وحید رحیمیان، رضا خدادادیگی، حسام خلیل‌نژاد، شهروز آقایی‌پور، علیرضا سلمان‌نژاد، مهدی صدیقی، حمیدرضا سلیمانی، زینب شعبانی، حسنا قبادی، ساغر کیخا و مرتضی مودی در این مجموعه به ایفای نقش پرداخته‌اند. حضور این بازیگران بومی و باسابقه تئاتری در کنار بازیگران نام‌آشنا، به طبیعی‌تر شدن لحن، گویش و کنش‌های دراماتیک سریال کمک شایانی کرده‌است. جایگاه سریال در سیاست‌گذاری سیمافیلم تولید آسباد در راستای رویکرد سند تحول رسانه ملی با محوریت «عدالت‌گری و هویت‌محوری» ارزیابی می‌شود؛ راهبردی که می‌کوشد روایت‌های تصویری را از انحصار محیط‌های آپارتمانی تهران خارج کرده و جغرافیای متکثر اقوام ایرانی را با محوریت اخلاق، خانواده و صیانت از هویت ملی در قالب درامی جذاب و مخاطب‌پسند به قاب تلویزیون باگزدارند.

سیما

روایت خبرنگار انگلیسی از زنان ایران پس از ۱۴۰۱

تفاوت میان آنچه رسانه‌های خارجی از وضعیت زنان در ایران بازتاب می‌دهند و واقعیت‌های موجود، تأکید کرد؛ این مستند درباره آنچه رسانه‌ها از زنان ایران نمی‌گویند، بازخوانی حقیقت از پشت صحنه مستند است. در این مستند، نگاه ونسا بیلی به‌عنوان یک خبرنگار بین‌المللی به جای تمرکز بر کلیشه‌های جاری درخصوص زنان ایرانی که در رسانه‌های جریان اصلی و فضای پروپاگاندای غرب دنبال می‌شود، به دنبال کشف توانمندی‌ها و فعالیت‌های مستمر و پویای زنان ایرانی است. این تهیه‌کننده اظهار کرد: نگاه یک غیرایرانی به زنان ایرانی نگاهی متفاوت است. به گفته او کسی که براساس تصاویر رسانه‌های خارجی تصور می‌کرد ایران فضایی خفقان‌آور برای زنان است، پس از ورود به ایران و گفت‌وگو با زنان ایرانی درمی‌یابد واقعیت آن‌گونه که رسانه‌ها بازتاب می‌دهند، نیست و زنان ایرانی به فعالیت و کار خود ادامه داده‌اند. وی همچنین افزود؛ تلاش شده ونسا بیلی علاوه بر مسائل اجتماعی، ابعاد فرهنگی، اقتصادی و مذهبی را نیز پوشش بدهد تا تصویری جامع و درواز‌سوگیری‌های رسانه‌ای از جامعه و جایگاه زنان در ایران ارائه شود. این اثر می‌کوشد ظرفیت‌های پنهان زنان ایرانی را به جهانیان نشان دهد و بگوید فراتر از تیرهای خبری، جامعه‌ای پویا و فعال در حال حرکت است و پلی است میان نگاه یک ناظر خارجی و واقعیت‌های عریان زندگی در ایران. این مستند که روایت سفر سال ۱۴۰۱ ونسا بیلی به ایران است، در سه قسمت ناپیوسته طراحی و تولید شده که قسمت حاضر به‌مدت ۲۸ دقیقه با موضوع بررسی جایگاه زنان در ایران، توسط مسعود دهنوی تهیه شده و دو قسمت دیگر آن با تهیه‌کنندگی عاطفه صبور به سرانجام خواهد رسید.



مسعود دهنوی، تهیه‌کننده مستند «ونسا بیلی» برای شبکه پرس تی‌وی، از چالش‌های تولید این اثر و تلاش برای ارائه تصویری متفاوت از وضعیت زنان ایرانی در برابر روایت‌های کلیشه‌ای رسانه‌های بین‌المللی خبر داد. به گزارش روابط عمومی پرس تی‌وی، مسعود دهنوی با اشاره به بازسازی روایت زنان ایرانی در این اثر اعلام کرد: این اثر برپایه روایت ونسا بیلی، روزنامه‌نگار انگلیسی که پس از اغتشاشات ۱۴۰۱ به ایران سفر کرد ساخته شده و و تا بدین و تولید مجدد به نسخه نهایی و با هدف ارائه نگاهی واقع‌گرایانه به ظرفیت‌های زنان ایرانی به مرحله نمایش رسیده است. دهنوی با اشاره به